

بہاؤ خدا

جویندگان سرخ



پروندہی سرقت
میمونیزا

ہوی
Hoopa

۳



جویندگان

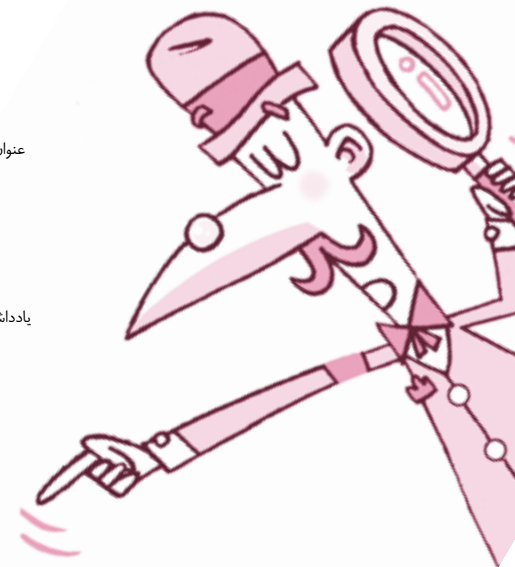
پرونده‌ی سرقت
میمونیزا



ترسا بلانچ گاسول

تصویرگر: خوسه آنخل لاباری ایلوندااین

مترجم: پیام ابراهیمی



سرشناسه: بلنچ، ماریا ترسا، ۱۹۶۹-م.
Blanch, Maria Teresa, 1969-
عنوان و نام پدیدآور: پرونده‌ی سرقت میمونیزا/ نویسنده ترسا بلانچ گاسول؛ تصویرگر
خوسه آنخل لاباری ایلونداین؛ مترجم پیام ابراهیمی.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۹۶ص- مصور.
فروست: جویندگان سر نخ: ۳.
شابک: ۶-۲۹۳-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸؛ دوره: ۰-۲۹۵-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیتهای فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: El caso del robo de la Mona Louisa. 3, El caso del robo de la Mona Louisa.
موضوع: داستان‌های اسپانیایی -- قرن ۲۰م.
موضوع: Spanish fiction -- 20th century
شناسه افزوده: خالی، ۱۹۷۷-م، تصویرگر
Jali, 1977- شناسه افزوده:
شناسه افزوده: ابراهیمی، پیام، ۱۳۶۷- مترجم
رده بندی کنگره: PQ۶۶۵۳
رده بندی دیویی: ۸۶۳/۶۴
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۸۸۳۴۶

ORIGINAL TITLE: Los Buscapistas. El caso del robo de la Mona Louisa
© 2013, Teresa Blanch, for the text
© 2013, José Ángel Labari, for the illustrations
© 2013, Penguin Random House
Translation rights arranged by IMC Agència Literària, SL. All rights reserved.
Persian Translation © Houpa Books, 2021

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از آژانس ادبی نویسنده‌ی آن (Teresa Blanch) خریداری کرده است.

جویندگان سر نخ ۳ پرونده‌ی سرقت میمونیزا

نویسنده: ترسا بلانچ گاسول
تصویرگر: خوسه آنخل لاباری ایلونداین
مترجم: پیام ابراهیمی
ویراستار: زهرا السادات رضوی
مدیر هنری: فرشاد رستمی
طراح گرافیک متن: فریبا دولت‌آبادی
چاپ اول: ۱۴۰۰
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان
شابک دوره: ۶-۲۹۳-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸
شابک: ۰-۲۹۵-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵ info@houpa.ir www.houpa.ir
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، ترسا بلانچ گاسول، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌ی جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت ترسا بلانچ گاسول این کار را کرده است.



این‌ها «پولگاس»،
سگ شکاری شرکت و «بیتو»
برادر پیا هستند. آپریستانک بیتو خیلی
وقت‌ها جویندگان را از
دردسر نجات می‌دهد.



دفتر جویندگان سرنخ
توی خانه‌ی قدیمی
پولگاس است.



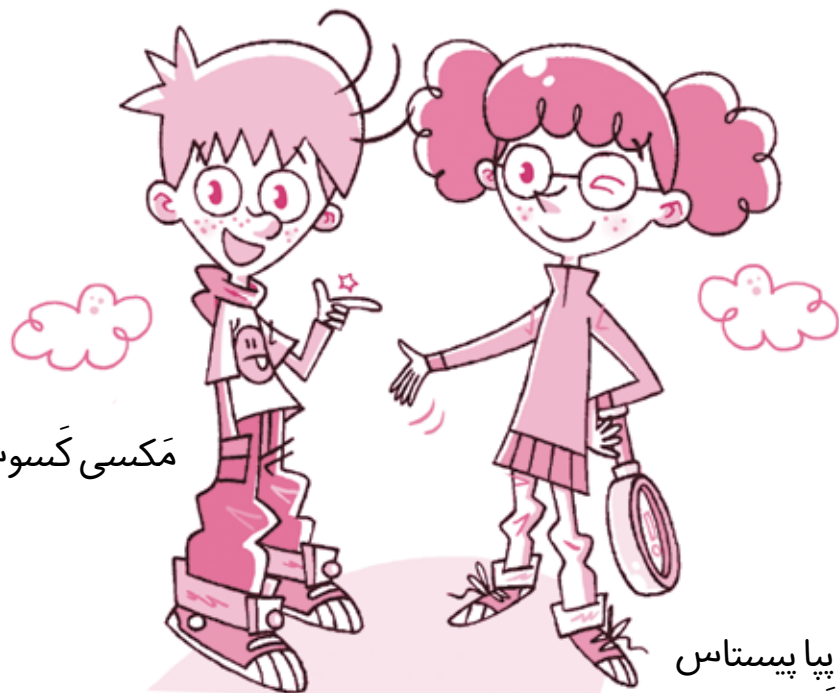
«ناشناس مرموز»،
مرد غریبه‌ای که به جویندگان سرنخ
کمک می‌کند... اما چه کسی زیر آن نقاب
مخفی شده؟ دنبال سرنخ‌ها بگردید
و هویتش را شناسایی کنید!



در این جلد:

چه کسی پشت کلاه کاسکت
موتور سوار پنهان شده؟

مکسی کسوس



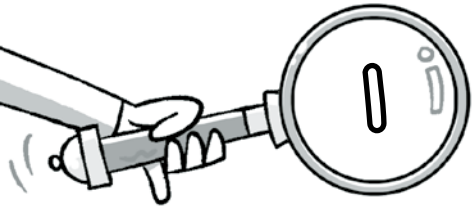
پیا پیستاس

پیا و مکسی توی مهدکودک با هم آشنا شدند و
از آن موقع به بعد دیگر از هم جدا نشده‌اند. آن‌ها
یک شرکت کارآگاهی دارند. پیا مصمم است و
مکسی یک کمی ترسو، اما آن‌ها در کنار هم تیم
فوق‌العاده‌ای هستند؛

آن‌ها جویندگان سرنخ‌اند!

«موشی» حیوان خانگی مکسی است.





راز میمونیزا!

عصر یکشنبه، پیا پیستاس از باغ بیرون زد و راه افتاد به سمت شرکت کارآگاهی جویندگان سرخ. او تازه‌ترین جلد مجموعه‌ی «کارآگاهان و سگ‌های پلیس» را زیر بغل زده بود. برادر کوچک‌تر و سگش پولگاس هم دنبالش راه افتاده بودند.

پیا رویش را به آن‌ها کرد و گفت: «حرفش رو هم نزنید! کل روز داشتیم با هم بازی می‌کردیم. فقط چند صفحه‌ی دیگه مونده تا مجرم رو شناسایی کنم.»



برای مطالعه نیاز به آرامش دارم. ولی تا جایی که می‌دونم، شماها اصلاً آرامش 'سرتون نمی‌شه!' همان لحظه بابتو تصمیم گرفت نقشه‌ی دقیقش را عملی کند:
پستانک را تُف کرد بیرون



پیا با قاطعیت گفت: «نه!»
برای همین هم پولگاس تصمیم گرفت برود سراغ نقشه‌ی دوم:
«اووووووو!» و خودش را مثل فرش پهن کرد کف زمین.



- همه‌ی نقشه‌ها تون رو از بَرَم. هیچ چیز گیرتون نمی‌آد!
پیا این را گفت و رفت توی دفتر تا ماجرای جالب کارآگاهان را به پایان برساند.



هنوز کتاب را باز نکرده بود که مادرش از لای در سرک کشید و گفت: «من دارم می‌رم. پولگاس و برادرت توی حیاط مشغول بازی هستند. حواست بهشون باشه.»

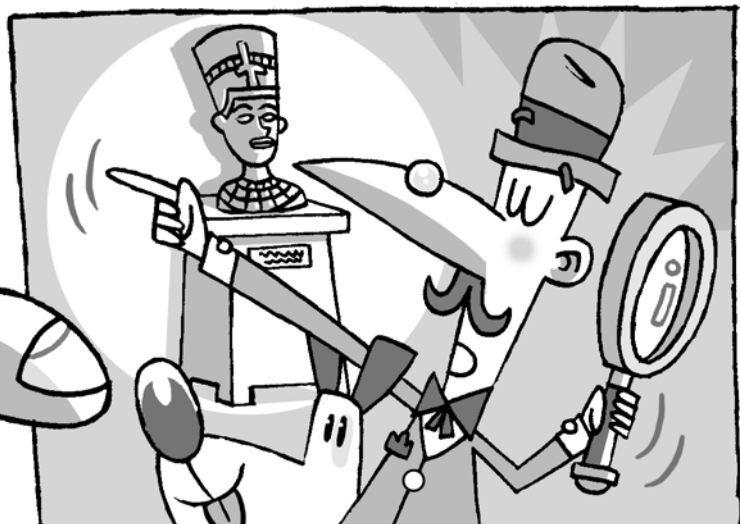
پیا پیش خودش فکر کرد: «وایسا ببینم! وقتی سرم توی کتابه، چطور حواسم بهشون باشه؟»
و به مادر گفت: «هممم... خودت می‌تونی یک چشمت بهشون باشه؟» پیا اصلاً دوست نداشت مراقب برادر کوچک‌ترش باشد.
- باید برم به کلینیک دام‌پزشکی. امروز قراره با تلویزیون محلی مصاحبه کنم.
پیا کلاً فراموش کرده بود! تلویزیون محلی قرار بود توی کلینیک مادرش، برنامه‌ای زنده در مورد حیوانات عجیب و غریب ضبط کند.

- بچه‌های خوبی باشید!
 پیا، همان‌طور که مادرش خواسته بود، نگاهی به
 بیرون انداخت و بعد غرق خواندن شد... فقط چند
 خط مانده بود تا دزد موزه را پیدا کند!

کارآگاه لویپتا می‌خواست اسم دزد مجسمه‌ی
 نِفرتیتی^۱ را بگوید، اما اصلاً حواسش نبود که یک سایه‌ی
 وحشتناک مدت‌هاست دنبالش می‌کند.

- سر نخ‌ها به ما می‌گویند که مجرم کسی نیست جز...
 کارآگاه قبل از گفتن اسم مجرم گلویش را صاف کرد.

۱. ملکه‌ی مصری و همسر فرعون مصر



- پس بابا چی؟

مادر آهی کشید و گفت: «اون هم توی خونه
 مشغول کارهاشه.» این را گفت، بلند شد و راهش
 را کشید و رفت. قبل از رفتن مطمئن شد که درِ
 حیاط را بسته باشد تا یک موقع پولگاس و بیتو فکر
 فرار به سرشان نزنند.

عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کریم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر